

عربی نهم

منوطة اول

(نکات و خلاصه درس)



(تمامی حقوق متعلق به مجتمع آموزشی و پژوهشی ثمین می باشد.)

الدَّرْسُ الْخَامِسُ: الرَّجَاءُ

درس پنجم: امید

كَانَتْ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ فِي غَابَةِ: أَسَدٌ وَ ثَعْلَبٌ وَ ذئبٌ وَ غَزَالَةٌ وَ كَلْبٌ وَ ...

گروهی از حیوانات در جنگلی بودند: شیرو روباه و گرگ و آهو و سگ و...

فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ جَاءَ سِتَّةُ صَيَّادِينَ وَ حَفَرُوا حُفْرَةً عَمِيقَةً ثُمَّ سَتَرُوهَا لِصَيْدِ الْحَيَوَانَاتِ وَ بَيَعَهَا لِحَدِيقَةِ الْحَيَوَانَاتِ.

در روزی از روزها شش شکارچی آمدند و گودالی عمیق کردند سپس آن را مخفی کردند برای شکار حیوانات و فروش آنها به باغ وحش.

وَقَعَ الثَّعْلَبُ وَ الْغَزَالَةُ فِي الْحُفْرَةِ بَغْتَةً؛ فَطَلَبَهَا مُسَاعِدَةً؛ لَكِنَّ الْحَيَوَانَاتِ هَرَبْنَ لِأَنَّهُنَّ سَمِعْنَ مِنْ بَعِيدِ أَصْوَاتِ الصَّيَّادِينَ.

ناگهان روباه و آهویی در گودال افتادند؛ پس بسیار کمک خواستند؛ اما حیوانات فرار کردند برای اینکه از دور صداهای شکارچیان را شنیدند.

حَاوَلَ الثَّعْلَبُ وَ الْغَزَالَةُ لِلنَّجَاةِ.

روباه و آهو برای رهایی تلاش کردند.

بَعْدَ دَقَائِقٍ؛ رَجَعَتْ حَمَامَةٌ وَ قَالَتْ لِلثَّعْلَبِ: «لَا فَائِدَةَ لِلْمُحَاوَلَةِ. لَا تَصْعَدُ. أَنْتَ لَا تَقْدِرُ. لَقَدْ جَرَحْتَ بَدَنَكَ.

بعد از مدتی؛ کبوتری به روباه گفت: «تلاش بی فایده است. بالا نیا. تو نمی توانی. بدنت را زخمی کردی.»

وَ رَجَعَ الْكَلْبُ وَ قَالَ لِلْغَزَالَةِ: «لَا رَجَاءَ لِنَجَاتِكَ. لَا تَصْعَدِي. أَنْتِ لَا تَقْدِرِينَ. لَقَدْ جَرَحْتَ بَدَنَكَ.»

و گرگی به آهو گفت: «امیدی به رهایی ات نیست. بالا نیا. تو نمی توانی. بدنت را زخمی کردی.»

عربا - نهم
مستویه اول



حَاوَلَ الثَّعْلَبُ وَ الْغَزَالَةُ الْخُرُوجَ مَرَّةً أُخْرَى وَلَكِنْ بِدُونِ فَائِدَةٍ.

روباه و آهو یک بار دیگر برای بیرون آمدن تلاش کردند ولی بی فایده بود.

يَسَّتِ الْغَزَالَةُ وَ بَقِيَتْ فِي مَكَانِهَا وَلَكِنَّ الثَّعْلَبَ حَاوَلَ كَثِيرًا.

آهو نا امید شد و در جایش ماند ولی روباه بسیار تلاش کرد.

قَالَتْ لَهُ الْحَمَامَةُ: « أَنْتَ لَا تَقْدِرُ، لِمَ تَحَاوِلُ؟! إِقْبَلْ مَصِيرَكَ.»

کبوتر به او گفت: « تو می توانی، برای چه تلاش می کنی؟! سرنوشتت را قبول کن.»

لَكِنَّ الثَّعْلَبَ خَرَجَ مِنَ الْحُفْرَةِ. فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ وَصَلَ هُدْهُدٌ وَ قَالَ: «أَنَا أَعْرِفُ هَذَا الثَّعْلَبَ؛ هُوَ ثَقِيلَ

السَّمْعِ؛ هُوَ ظَنَّ أَنَّ الْحَمَامَةَ تُشَجِّعُهُ عَلَى الْخُرُوجِ.»

اما روباه از گودال بیرون آمد در این زمان هدهدی رسید و گفت: « من این روباه را می شناسم؛ او کم شنواست؛

او گمان کرده است که کبوتر او را برای بیرون آمدن تشویق می کند.»

قَالَتِ الْحَيَوَانَاتُ: « نَحْنُ ظَلَمْنَا الْغَزَالَةَ. عَلَيْنَا مُسَاعَدَتِهَا.»

حیوانات گفتند: « ما به آهو ظلم کردیم. بر ما (واجب) است که کمکش کنیم.»

قَالَتِ الْحَمَامَةُ لِلْغَزَالَةِ: «أُخْرِجِي. أَنْتِ تَقْدِرِينَ عَلَى الْخُرُوجِ بِسَهُولَةٍ. لَا تَيَاسِي.»

کبوتر به آهو گفت: « بیرون بیا. تو می توانی به راحتی خارج شوی. ناامید نشو.»

حَاوَلَتِ الْغَزَالَةُ الْخُرُوجَ مَرَّةً أُخْرَى فَخَرَجَتْ وَ فَرِحَتِ الْحَيَوَانَاتُ.

آهو بار دیگر برای رهایی تلاش کرد، پس خارج شد و حیوانات خوشحال شدند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَجَدَهُ، وَجَدَهُ، وَ مَنْ قَرَعَ بَابًا وَ لَجَّ وَلَجَ.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرموده اند: کسی که چیزی را بخواهد و تلاش کند، بدست می آورد، و

هرکس دری را بکوبد و پافشاری کند در آن داخل می شود.



قواعد :

فعل مضارع منفی: فعلی است که انجام ندادن یا نشدن کاری را در زمان حال نشان می دهد و از حرف «لا» استفاده می شود:

مضارع منفی = لا + فعل مضارع

لا تَكْتُبُونَ (فهی نویسید)

فعل نهی: فعلی است که کننده کار را از انجام دادن فعلی باز می دارد:
آنجا بازی نکن! خطرناک است.

ساخت فعل نهی:

مجدداً از فعل مضارع مخاطب استفاده می کنیم.

فعل نهی = لا + فعل مضارع مخاطب ← حذف اعراب (حرکت ضمه آخر فعل) در مفرد مذکر و حذف نون اعراب در بقیه صیغه ها (به جز جمع مؤنث مخاطب)

مثال:

لا تَذْهَبْ : نرو (مفرد مذکر مخاطب)

لا تَذْهَبِي : نرو (مفرد مؤنث مخاطب)

توجه:

مضارع منفی و فعل نهی از لحاظ شکل ظاهری بسیار شبیه یکدیگر هستند، اما برای شناخت این دو از هم باید به انتهای کلمه توجه کرد.

بدین ترتیب که اگر انتهای فعل در مفرد مذکر ساکن شده باشد یا نون اعراب در بقیه صیغه ها جز صیغه جمع مؤنث مخاطب حذف شده باشد، فعل مورد نظر «فعل نهی» بوده و در غیر این صورت «فعل نفی» می باشد.



فعل مضارع منفی	فعل نهی
لا تَحْزَنْ (غمگین نمی شوی)	لا تَحْزَنْ (غمگین نشو)
لا تَحْزَنْتَ (غمگین نمی شوی)	لا تَحْزَنْتَ (غمگین نشو)
لا تَحْزَنْتَ (غمگین نمی شوید)	لا تَحْزَنْتَ (غمگین نشوید)
لا تَحْزَنْتَ (غمگین نمی شوید)	لا تَحْزَنْتَ (غمگین نشوید)
لا تَحْزَنْتَ (غمگین نمی شوید)	لا تَحْزَنْتَ (غمگین نشوید)

